یادداشت

ملت مبعوث
جلوه تام فریضه امر به معروف و نهی از منکر



سید عبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

در میان فرایض دینی کمتر فریضه‌ای به اندازه امر به معروف و نهی از منکر با سرنوشت جمعی جامعه پیوند خورده است. این فریضه هنگامی که از سطح مسئولیت فردی فراتر می‌رود و به فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود به ساز و کاری برای مراقبت جامعه از سرنوشت خویش تبدیل می‌شود. از همین منظر، می‌توان مفهوم «ملت مبعوث» را صورت اجتماعی و تاریخی این مسئولیت دانست.

قیام امام حسین(ع) نیز در همین چارچوب قابل فهم است، قیامی که با هدف احیای امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با انحرافی صورت گرفت که جامعه را از درون تهی کرده بود. تجربه کربلا نشان داد که فراموشی و واگذاری فریضه امر به معروف و نهی و تعطیل شدن مسئولیت اجتماعی در برابر انحراف می‌تواند به جایی برسد که جامعه در تشخیص حق و باطل دچار وارونگی شود و کار امت اسلام به جایی برسد که به قصد قرب الهی و با وضو بر فرزند پیامبرشان به جرم خروج از دین شمشیر کشیده و بر بدن مطهرش با اسب تاختند. وقتی جامعه از نظارت اخلاقی و مسئولیت عمومی فاصله بگیرد، حتی حقیقت‌های آشکار نیز می‌توانند در میدان روایت و تبلیغات وارونه شوند.

از این منظر، حضور اجتماعی مردم در عرصه عمومی زمانی به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود که افراد خود را نسبت به سرنوشت عمومی مسئول بدانند، از مسئولان مطالبه کنند، بر عملکرد آنان نظارت داشته باشند و در عین حال، منافع عمومی و انسجام اجتماعی را نیز پاس بدارند. چنین حضوری، هم «حق مطالبه» را به رسمیت می‌شناسد و هم «مسئولیت اجتماعی» را. اما امر به معروف اجتماعی نباید با نفی نقد، مخالفت یا تکثر دیدگاه‌ها اشتباه گرفته شود. جامعه‌ای که مسئولیت‌پذیر است، هم از حقوق عمومی دفاع می‌کند و هم خطاهای ساختاری و مدیریتی را می‌بیند. مطالبه‌گری، زمانی به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود که با انصاف، عقلانیت و شناخت دقیق مسئله همراه باشد، وگرنه ممکن است خود به عاملی برای فرسایش اعتماد عمومی تبدیل شود.

در سال‌های اخیر به‌ویژه در جنگ اخیر، ادبیات سیاسی و رسانه‌ای دشمن بارها در شیپور «جنگ روایت»، «جنگ شناختی»، «دوقطبی‌سازی»، «ناامیدسازی» و تلاش برای ایجاد شکاف میان جامعه و حاکمیت دمیده است. فارغ از ارزیابی میزان اثرگذاری هر یک از این موارد، یک واقعیت راهبردی روشن است: جامعه‌ای که نتواند میان نقد واقعیت، روایت‌سازی و عملیات روانی دشمن تمایز بگذارد، در معرض خطای محاسباتی قرار می‌گیرد. در مقابل، جامعه‌ای که واقعیت را با تجربه و آگاهی خود می‌سنجد، کمتر به آسانی تحت تأثیر روایت‌های یک‌سویه قرار می‌گیرد. از همین رو، یکی از مهم‌ترین تهدیدها در شرایط بحرانی، تبدیل اختلاف‌نظرها و برخی اشتباهات (سهوی یا حتی عمدی) برخی مسئولان به شکاف اجتماعی باشد. نقد مسئولان و مطالبه اصلاح، بخشی از سلامت جامعه است، اما تبدیل و تعریف هر خطا به نشانه فروپاشی، یا تبدیل هر دفاع به انکار مشکلات هر دو می‌تواند جامعه را از امکان گفت‌وگوی عقلانی و پیش‌برنده دور ساخته و به انسجام اجتماعی آسیب برساند. هیچ جامعه‌ای بدون نقد زنده نمی‌ماند و هیچ جامعه‌ای نیز با درک غلط از شرایط حاکم بر کشور و نفی مداوم ظرفیت‌های خود، نگاه نقطه‌ای و محدود به جای نگاه راهبردی، برجسته‌سازی ضعف‌ها و اشتباهات مسئولان و به محاق بردن دستاوردها و پیروزی‌ها نمی‌تواند آینده‌ای باثبات بسازد.

در این میان، مسئولیت صاحبان قلم، تریبون و رسانه بسیار سنگین است. رسانه می‌تواند هم امکان نقد و مطالبه‌گری را حفظ کند و هم در پیشگیری از تبدیل اختلافات طبیعی جامعه به دشمنی‌های پایدار مؤثر باشد. وظیفه رسانه فقط دفاع یا اعتراض نیست، مهم‌تر از آن، کمک به جامعه برای «درست دیدن» و «غلبه بر جنگ شناختی و ادراکی دشمن» است. شاید معنای عمیق‌تر امر به معروف اجتماعی نیز همین باشد: جامعه خیر عمومی را به حال خود رها نکنند، اما برای پاسداری از آن، عقلانیت و اخلاق را نیز کنار نگذارد. «ملت مبعوث» پیش از آنکه عنوانی برای یک حضور خیابانی باشد، تصویری روشن از جامعه‌ای است که سرنوشت خود را به دیگری واگذار نمی‌کند، جامعه‌ای که مطالبه می‌کند، نقد می‌کند، مراقبت می‌کند و در عین حال، مسئولیت حفظ سرمایه اجتماعی و آینده مشترک خود را نیز خود بر عهده می‌گیرد.

امر به معروف و نهی از منکر، در این معنا، از یک فریضه فردی به فرهنگ مراقبت جمعی ارتقا می‌یابد. فرهنگی که در آن مردم نه تماشاگر سرنوشت خویش بلکه صاحبان مسئولیت در برابر آن هستند. ماندگاری چنین جامعه‌ای نه به سکوت در برابر خطا بلکه به توانایی آن در جمع کردن سه عنصر مطالبه‌گری، اخلاق و انسجام وابسته است. و شاید «ملت مبعوث» دقیقاً از همین نقطه آغاز شود: ملتی که نه سرنوشت خود را رها می‌کند و نه برای پاسداری از آن، عقل و اخلاق را کنار می‌گذارد.

خبر آخر

رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها خبر داد

موافقت «شعام» با برگزاری انتخابات شوراها

رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها با بیان اینکه مجوز برگزاری انتخابات شوراها را «شعام» صادر کرده است، گفت: در جلسه فردا (امروز) با ستاد انتخابات کشور مشخص خواهد شد که کدام شهرها آمادگی برگزاری انتخابات را دارند و کدام شهرها امکان برگزاری را ندارند.

محمد صالح جوکار در گفت‌وگو با ایرنا، با بیان اینکه مجوز شورای عالی امنیت ملی، برای برگزاری انتخابات شوراها صادر شده است، گفت: ما هفته گذشته جلسه‌ای با ستاد انتخابات کشور داشتیم. با توجه به شرایط فعلی کشور، وضعیت برگزاری انتخابات در مناطق مختلف متفاوت است؛ برخی شهرها و مناطق (از جمله برخی مناطق جنوبی) ممکن است آمادگی لازم را برای برگزاری انتخابات نداشته باشند و برخی مناطق، آمادگی لازم را داشته باشند. بر همین اساس، مقرر شد وزارت کشور به‌طور رسمی اعلام کند که کدام شهرها شرایط برگزاری را دارند و کدام شهرها فاقد آن هستند. وی با اشاره به جلسه روز یک‌شنبه ستاد انتخابات کشور و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات کشور، افزود: این موضوع در جلسه فردا (امروز) تعیین می‌شود و ما تصمیم‌گیری قطعی را خواهیم داشت. رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها با بیان اینکه بازه زمانی برگزاری انتخابات می‌تواند از ابتدای آبان تا بهمن‌ماه باشد، افزود: این موضوع بسته به شرایط حاکم بر هر شهر متفاوت است و امکان دارد تاریخ برگزاری در شهرهای مختلف با هم تفاوت داشته باشد و برخی شهرها که آمادگی لازم را نداشته باشند انتخابات برگزار نمی‌شود. جوکار تصریح کرد: سیاست کلان ما این است که هرچه زودتر انتخابات را در سراسر کشور برگزار کنیم، اما اولویت اصلی فراهم بودن شرایط محیطی و منطقه‌ای است تا بتوانیم با اطمینان، بیشترین مشارکت مردمی را داشته باشیم. وی همچنین در مورد برگزاری انتخابات در تهران، گفت: تهران نیز بخشی از کشور محسوب می‌شود و در جلسات برای آن تصمیم‌گیری خواهد شد. تعیین تاریخ دقیق بر عهده «هیئت مرکزی نظارت» و «ستاد انتخابات کشور» است. هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا که قرار بود ۱۱ اردیبهشت‌ماه، هم‌زمان با دو انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری برگزار شود به دلیل شرایط جنگی به تعویق افتاد و بنا شد که تاریخ دقیق این انتخابات با پیشنهاد هیئت مرکزی نظارت و ستاد انتخابات مشخص شود.

نقشه آشوب و خرابکاری زیر ضرب رفت و نقش بر آب شد

زیر ضرب اطلاعات

گزارش
رحیم زیادعلی



اطلاعیه روز گذشته وزارت اطلاعات درباره انهدام چهار شبکه خرابکاری خیابانی که برای آشوب و اغتشاش در فراخوان‌ها سازماندهی شده بودند، فقط یک خبر امنیتی نیست بلکه این اطلاعیه را باید در امتداد مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها و عملیات‌های اطلاعاتی شش ماه گذشته خواند؛ مجموعه‌ای که از فروردین تا مهر ۱۴۰۵، بارها از شناسایی هسته‌های جاسوسی، شبکه‌های خرابکاری، عوامل میدانی اغتشاش، تیم‌های تروریستی و عناصر مرتبط با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی خبر داده‌اند. بر اساس اطلاعیه جدیدی که وزارت اطلاعات روز گذشته منتشر کرده، چهار شبکه سازمان یافته در سیر جان شناسایی و ۳۱ نفر بازداشت شده‌اند. این افراد برای حضور فعال در فراخوان‌های سراسری سازماندهی شده و اقدام به ساخت تعداد زیادی کوکتل مولوتف و تهیه ابزار تخریب دوربین‌های شهری کرده بودند. وزارت اطلاعات همچنین اعلام کرده اعضای این شبکه‌ها در حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز در تخریب اموال عمومی و خصوصی، حمله به مراکز انتظامی و تلاش برای دستیابی به سلاح نقش داشته‌اند. این اطلاعیه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در کنار اطلاعیه‌های قبلی قرار گیرد.

۲۹ فروردین، سازمان اطلاعات سپاه از متلاشی شدن هسته‌های وابسته به امریکا، انگلیس و اسرائیل در سه استان آذربایجان شرقی، کرمان و مازندران خبر داد. این هسته‌ها در زمینه‌هایی مانند شبکه‌سازی، تسلیح، جاسوسی، ایجاد اختلال در بازار، تولید شایعات اقتصادی و شکل‌دهی به اغتشاشات خیابانی فعالیت داشتند. در همان گزارش اعلام شد در آذربایجان شرقی هفت نفر از عناصر وابسته به گروه‌های سلطنت‌طلب که در حال تهیه سلاح و آماده‌سازی اقدامات خرابکارانه و ارسال مختصات اماکن حساس بودند، بازداشت شدند. همچنین در مازندران ۶۹ نفر و در کرمان نیز ۵۱ نفر شناسایی شدند و تحت ضربه اطلاعاتی قرار گرفتند. چند روز پیش از آن نیز سپاه قدس گیلان از بازداشت فردی خبر داد که در فضای مجازی آموزش ساخت بمب دیده و قصد آسیب‌رساندن به اماکن حساس را داشته است. در قزوین نیز روابط عمومی سپاه صاحب‌الامر از بازداشت فردی خبر داد که پیش از اقدام خرابکارانه در یکی از زیرساخت‌های مهم استان شناسایی شده بود.

یکی از مهم‌ترین گزارش‌های این دوره مربوط به سازمان اطلاعات سپاه تهران در ۷ فروردین است. این سازمان از بازداشت ۱۰۳ نفر از عوامل مرتبط با دشمن خبر داد. طبق این اطلاعیه، یک هسته چهار نفره قصد خرابکاری در زیرساخت شبکه برق تهران را داشت؛ گروهی دیگر قصد ناامن‌سازی خیابان‌ها را داشتند و پنج نفر نیز پیش از حمله مسلحانه به ایست‌های بازرسی بازداشت شدند. همچنین درباره ۹۰ نفر اعلام شد که اقدام به ارسال مختصات مناطق حساس و تصاویر محل اصابت حملات برای رسانه‌های خارج از کشور کرده بودند. در همین مقطع، سازمان اطلاعات سپاه استان کرمانشاه نیز از شناسایی و بازداشت یک تیم سه‌نفره خبر داد که قصد ایجاد ناامنی خیابانی و اقدامات خرابکارانه علیه اماکن حساس و افراد نظامی را داشتند و از مخفیگاه آنان سلاح، ساچمه، باروت و چاشنی کشف شد. این موارد یک نکته مهم را برجسته می‌کند: ایجاد ظرفیت عملیاتی برای تخریب زیرساخت، حمله مسلحانه و انتقال اطلاعات حساس است.

۳ پرونده امنیتی در ۳ جبهه

۲۴ خرداد ۱۴۰۵، وزارت اطلاعات از چند عملیات اطلاعاتی جداگانه خبر داد که در مجموع به شناسایی و بازداشت عناصر مرتبط با سه پرونده امنیتی در نقاط مختلف کشور انجامیده بود. بر اساس اطلاعیه این وزارتخانه، یک هسته چهار نفره وابسته به گروه‌های تروریستی ـ تکفیری، یک فرد متهم به تلاش برای نفوذ به مراکز داده دستگاه‌های حساس و همچنین ۱۲۶ نفر از لیدرهای میدانی شبکه‌ای که وزارت اطلاعات آن را «شبکه خرابکاری خیابانی دشمن امریکایی ـ صهیونیستی» نامیده، بازداشت شدند. پرونده نخست در ایلام مربوط به دستگیری فردی بود که با دستور یک سرپل سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی ساکن انگلیس، قصد داشت به مراکز داده و رایانه‌ای دستگاه‌های حساس نظام نفوذ کرده و اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را منتقل کند. این فرد پیش از اجرای مأموریت شناسایی و بازداشت شده است. پرونده دوم در جنوب شرق کشور به یک هسته چهار نفره عملیاتی ـ جاسوسی وابسته به گروه‌های تروریستی ـ تکفیری مربوط می‌شد. اعضای این هسته در زمینه شناسایی اهداف نظامی و انتظامی، طراحی اقدامات خرابکارانه و قاچاق سلاح فعالیت داشتند. از خانه امن این تیم نیز ۹ قبضه سلاح کلاشینکف و ۲ هزار فشنگ کشف شده است. پرونده سوم، شبکه خرابکاری خیابانی در تهران بود. در جریان اقدامات مشترک سازمان اطلاعات استان تهران با پلیس امنیت عمومی فراجا، نوپو، معاونت اطلاعات سپاه حضرت رسول(ص) تهران و قرارگاه ثارالله، ۱۲۶ نفر از عناصر و لیدرهای میدانی این شبکه در استان تهران بازداشت شده‌اند. به گفته این وزارتخانه، در میان بازداشت‌شدگان اراذل و اوباش سابقه‌دار نیز حضور داشته‌اند و تعدادی از آنان در حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ فعال بوده و در حمله به مراکز و نیروهای حافظ امنیت نقش داشته‌اند. همچنین وزارت اطلاعات اعلام کرد از این افراد بیش از ۵۰۰ قبضه انواع سلاح گرم و سرد، ده‌ها کیلوگرم مواد مخدر و مقادیری مشروبات الکلی کشف شده است.

عناصر کودتای دی‌ماه مترصد فرصت

اداره کل اطلاعات استان ایلام همچنین ۳۰ خرداد، از بازداشت ۱۷ نفر خبر داد؛ سه نفر لیدر میدانی و ۱۴ نفر به‌عنوان اعضای شبکه خرابکاری خیابانی. در اطلاعیه آمده بود که برخی از این افراد در حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز فعال بوده و در تخریب و تحریق اموال عمومی و تیراندازی نقش داشته‌اند. این پرونده نشان می‌دهد بخشی از شبکه‌هایی که دستگاه‌های امنیتی از آنها سخن گفته‌اند، ظرفیت خود را پس از حوادث دی‌ماه حفظ کرده و منتظر فرصت بعدی بوده‌اند. ۷ مرداد هم وزارت اطلاعات از انهدام چهار هسته عملیاتی گروهک‌های تروریستی ـ تکفیری و دستگیری ۱۵ نفر در جنوب شرق کشور خبر داد. این افراد پس از آموزش نظامی، بمب‌گذاری و ترور در خارج از کشور، هنگام ورود به ایران شناسایی شدند و پیش از اجرای عملیات دستگیر شدند. چند روز بعد نیز سازمان اطلاعات سپاه از ادامه عملیات علیه یک تیم تروریستی در جنوب سیستان‌وبلوچستان خبر داد و اعلام کرد فرد بازداشت‌شده همراه با سلاح، مهمات و تجهیزات انفجاری و ارتباطی بوده و تیم قصد انجام عملیات علیه اهداف از پیش تعیین‌شده را داشته است. ۲۹ شهریور نیز وزارت اطلاعات از شناسایی سه کانون عملیاتی وابسته به گروهک‌های تروریستی در سه استان خبر داد. در یکی از پرونده‌ها، فردی در آذربایجان غربی درصدد ترور یکی از فرماندهان حافظ امنیت بود. در پرونده دوم، فردی در البرز مأموریت‌هایی برای ارسال مشخصات افراد و مختصات اماکن نظامی سپاه و بسیج داشته و برای اقداماتی مانند تخریب پایگاه بسیج، رایش افراد و آتش‌زدن خودروها آماده شده بود. در پرونده سوم نیز یک هسته دو نفره مأمور انفجار یکی از تأسیسات مهم شهرستان بم شناسایی و دستگیر شدند. چند روز پیش از آن نیز وزارت اطلاعات از انهدام سه هسته تروریستی در جنوب شرق و بازداشت ۹ نفر و هلاکت سه نفر خبر داده بود. افراد دستگیرشده پس از آموزش نظامی در خارج از کشور، هنگام ورود به ایران شناسایی شده بودند.

نقطه اتصال جنگ روایت و جنگ امنیتی

در کنار هم قرار دادن این موارد، تصویری چندلایه به دست می‌دهد: لایه نخست، جمع‌آوری اطلاعات: ارسال مختصات مراکز نظامی، شناسایی افراد و زیرساخت‌های حساس و انتقال اطلاعات به خارج. لایه دوم، ایجاد ظرفیت خرابکاری: تهیه سلاح، مواد منفجره، ابزار تخریب دوربین‌ها و آماده‌سازی برای حمله به مراکز و زیرساخت‌ها. لایه سوم، شبکه‌سازی خیابانی: سازماندهی لیدرها و نیروهایی که بنا بر اطلاعیه‌های رسمی، برای حضور در فراخوان‌ها و ایجاد ناآرامی آماده شده‌اند. لایه چهارم، عملیات تروریستی: ورود یا فعالیت تیم‌هایی که آموزش بمب‌گذاری و ترور دیده و برای اجرای مأموریت وارد کشور شده بودند. این چهار لایه در اطلاعیه‌های شش ماه گذشته، به‌صورت جداگانه و در پرونده‌های مختلف دیده می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت این تهدیدات بخشی از یک الگوی ترکیبی شامل عملیات اطلاعاتی، سایبری، خرابکاری، جنگ روانی و اقدامات خیابانی است.

در این میان، یک نکته دیگر نیز قابل توجه است. در چند اطلاعیه، «فضای مجازی»، «رسانه‌های خارج از کشور»، «شبکه‌سازی»، «فراخوان خیابانی» و «اقدامات خرابکارانه» در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. پیام راهبردی این مجموعه پرونده‌ها روشن است: در شرایطی که کشور همزمان با فشار و تهدید خارجی مواجه است، جلوگیری از اتصال هسته‌های اطلاعاتی، تروریستی و خرابکارانه به بستر ناآرامی داخلی، بخشی از دفاع ملی است. در عین حال، برای حفظ اعتبار این مقابله، هر پرونده باید بر اساس ادله مشخص، روند قضایی و تفکیک دقیق میان اعتراض، فعالیت سیاسی و اقدام مجرمانه بررسی شود. اما یک واقعیت امنیتی نیز در این میان قابل توجه است: هرچه جامعه هوشیارتر، نیروهای مسلح آماده‌تر و دستگاه‌های اطلاعاتی در شناسایی شبکه‌های پنهان موفق‌تر باشند، امکان تبدیل ناامنی به بحران فراگیر دشوارتر خواهد شد. روند فعالیت‌های شبکه همکار دشمن نشان می‌دهد، این شبکه اگرچه زیر ضرب دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی قرار گرفته است، اما پروژه فعال و از دستور کار خارج نشده است.

دفاعی

سخنگویان سپاه و ارتش از آمادگی نیروهای مسلح و شکست محاسبات دشمن می‌گویند

امریکا راهی جز تجدیدنظر ندارد



سخنگویان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران با تشریح آخرین وضعیت آمادگی نیروهای مسلح و ارزیابی تحولات میدان، تأکید کردند که محاسبات امریکا درباره توان دفاعی و اراده ایران در جنگ اخیر با واقعیت‌های میدان همخوانی نداشته است. ایران ضمن رصد مستمر تهدیدها و ارتقای توانمندی‌های خود، برای هر سناریویی آمادگی دارد و مجموعه فشارها و ناکامی‌های امریکا، واشینگتن را ناگزیر از بازنگری در محاسبات و رویکرد خود در قبال ایران خواهد کرد.

سردار حسین محبی، سخنگوی سپاه با اشاره به عقب‌نشینی امریکا از میدان مقاومت یمن به دلیل پیروزی‌های گذشته انصارالله اظهار داشت این وضعیت سبب شد که امریکا خودش پیش‌قدم شود و درخواست انعقاد تفاهم‌نامه با این کشور را دهد و آن تفاهم‌نامه هم منعقد شد. وی ضمن هشدار به مقامات امریکایی برای تداوم رویکرد خصمانه علیه ایران اعلام کرد: «عاقلانه این است که رئیس‌جمهور امریکا در مورد ایران هم همان تجربه را به کار ببرد، زیرا حدود ۱۶ ماه است که با ایران درگیر است و نه‌تنها نتوانسته به هیچ‌یک از اهداف اعلامی خود دست یابد، بلکه دچار مشکلات عدیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هم شده است. بنابراین، بهتر است که از تجربه قبلی خود درس بگیرد و شروط ایران را بپذیرد.» یکی از نشانه‌های پیروزی ایران در جنگ و ایجاد بازدارندگی کنونی، ارتقای توان آمادگی نیروهای مسلح کشورمان در مواجهه با امریکا به رغم آسیب‌های ناشی از حملات جنگ رمضان است.

امیر اکرمی‌نیا، سخنگوی ارتش نیز با تأکید بر اینکه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تحولات و تهدیدات را با دقت رصد می‌کنند، گفت: «ما به‌صورت مستمر در حال ارتقای توان خود هستیم و برای هر وضعیتی آمادگی داریم.» موانعی چون حفظ قدرت نظامی کشور و سردرگمی در تعیین راهبرد علیه ایران، سبب شده ترامپ برای نمایش قدرت از ابزارهای نظامی جدیدتری چون هوش مصنوعی استفاده کند. اما طبق اظهارات سردار محبی این موضوع هم در حوزه توانایی ایران است و هم در رصد نیروهای نظامی کشور قرار دارد. به گفته وی، در جنگ جاری، هوش مصنوعی میدان‌دار اصلی بوده است. نه فقط در عملیات ۴۰ روز گذشته، بلکه در پردازش داده‌های ماهواره‌ای، راداری، حسگرهای حرارتی و پهپادی، شناسایی هدف، صدور دستور شلیک و بازخوردگیری نیز نقش داشته است. بنابراین طرح ترامپ درباره تشکیل نیروی هوش مصنوعی موضوع جدیدی نیست و صرفاً عملیات روانی برای ایجاد رعب است. ایران نیز به اقدامات آنان و استفاده‌شان از هوش مصنوعی اشراف کامل دارد. سردار محبی خاطرنشان کرد که ایران نیز در مقابل آنها دست روی دست نگذاشته و از انواع فناوری‌ها و از جمله هوش مصنوعی استفاده می‌کند. از سوی دیگر، به گفته سخنگوی ارتش، رئیس‌جمهور امریکا از یک سو تحت فشار جریان صهیونیستی برای انجام اقدامات و شرارت جدید علیه ایران قرار دارد و از سوی دیگر با مخالفت‌های مردم در داخل امریکا نسبت به جنگ با ایران مواجه است. مجموعه این شرایط، فضای تصمیم‌گیری را برای دولت امریکا پیچیده و سخت کرده است. مبنای این سردرگمی شکست غافلگیرانه بود که امریکا در میدان کسب کرد. سخنگوی ارتش گفت، دشمن با خطای محاسباتی تصور می‌کرد می‌تواند در چند روز توان نیروهای مسلح ایران را از بین ببرد و اهدافش را محقق کند، اما مقاومت نیروهای مسلح و ایستادگی ملت، این محاسبات را برهم زد. اهداف دشمن فراتر از مسائل هسته‌ای، موشکی و جبهه مقاومت بود و ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی و تجزیه ایران را دنبال می‌کرد، اما در تحقق هیچ‌یک موفق نشد. یکی دیگر از عوامل پیروزی ایران در جنگ، ایمان و انگیزه مردم و نیروهای مسلح است. امیر اکرمی‌نیا گفت: «آنچه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در میدان حفظ کرد، تنها تجهیزات و امکانات نبود؛ بلکه ایمان، انگیزه، روحیه مقاومت و باور عمیق به دفاع از نظام و کشور بود.» وی با بیان اینکه مردم در این میدان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، خاطرنشان کرد: «ملت ایران در کنار نیروهای مسلح ایستادند و حضور مردم در میدان‌ها و اجتماعات شبانه، علاوه بر نمایش وحدت و انسجام ملی، موجب تقویت روحیه رزمندگان و افزایش احساس تعهد و مسئولیت آنان در دفاع از کشور شد.»

گزیده خبر



پیام سردار وحیدی به مناسبت هفته فراجا

فراجا نماد پلیس مقتدر و متکی به پشتوانه مردمی است

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت فرارسیدن هفته انتظامی تأکید کرد: فراجا امروز نماد پلیس مقتدر، هوشمند، حرفه‌ای و متکی به پشتوانه مردمی است که با تکیه بر نیروی انسانی مؤمن و انقلابی، توانسته است بر خلاف تصور و نیات شیطانی اردوگاه دشمنان انقلاب و نظام اسلامی پایدارسازی امنیت و آرامش اجتماعی را در هم‌افزایی با سایر نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی در سراسر میهن اسلامی تحکیم بخشد.

به گزارش سپاه نیوز، در بخشی از پیام سردار سرلشکر احمد وحیدی، به سردار سرتیپ پاسدار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «انتخاب شایسته شعار «پلیس مجاهد، ملت مبعوث، ایران سرافراز»، برای هفته انتظامی در سال ۱۴۰۵ تنها یک عنوان نیست؛ میثاقی راهبردی است که در آن، مجاهدت پلیس ضامن سرافرازی ایران اسلامی و پیوند ناگسستنی میان ملت مبعوث شده و مدافعان امنیت تعریف شده است.» در ادامه پیام سردار وحیدی آمده است: یاد، نام و خاطره و حماسه آفرینی‌های شهیدان، جانبازان و ایثارگران فراجا در هشت سال دفاع مقدس، و به‌ویژه در جنگ تحمیلی دوم و سوم امریکایی صهیونی و نبردهای پس از آن، و همچنین تمامی میدان‌های خطیر دفاع از امنیت و انتظام جامعه و مقابله با اشرار، قاچاقچیان، مفسدان اقتصادی و مخلان نظم و امنیت، که همواره سدی محکم در برابر ناامنی و بی‌نظمی بوده‌اند و با اقتدار توأم با رأفت اسلامی، امنیت را برای ملت شریف ایران به ارمغان آورده‌اند، را گرامی داشته و در برابر عظمت آنان، خاضعانه سر تعظیم فرود می‌آوریم.

یادداشت

مدرسه و دانشگاه کارگاه ساخت آینده ایران



علی‌حسن حیدری
کارشناس سیاسی

پیام رهبر انقلاب در آغاز سال تحصیلی را نمی‌توان در حد یک پیام مناسبتی برای بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها دید. نقطه آغاز پیام کلاس درس است، اما مسئله اصلی آن آینده ایران است. سخن از نسلی است که قرار است در سال‌های آینده مسئولیت این کشور را بر عهده بگیرد و میزان توانایی، دانش، اخلاق، هویت و روحیه مسئولیت‌پذیری آن، بخشی از سرنوشت ایران را رقم خواهد زد. از این منظر، سال تحصیلی جدید صرفاً آغاز یک دوره آموزشی نیست؛ آغاز مرحله دیگری از فرایند ساختن انسان و در نهایت ساختن آینده کشور است.

این نگاه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که آینده کشور را در شرایطی ببینیم که مسائل اقتصادی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، بیش از گذشته به نیروی انسانی توانمند نیاز دارند. کشوری که می‌خواهد مستقل بماند و قدرت تصمیم‌گیری و پیشرفت خود را حفظ کند، نمی‌تواند صرفاً به داشته‌های امروز تکیه کند. بخشی از قدرت آینده در کلاس‌های امروز ساخته می‌شود. به همین دلیل، تأکید پیام بر «شکستن مرزهای دانش» و رسیدن به قله‌های پیشرفت‌ساز را باید فراتر از توصیه‌ای برای بهتر درس خواندن فهم کرد. علم در اینجا یکی از پایه‌های قدرت ملی است، اما علمی که باید از مرحله دانستن عبور کند و به توانستن، حل مسئله و تولید ظرفیت واقعی برای کشور برسد.

از همین جا، پیام یک مرزبندی مهم نیز ایجاد می‌کند: آموزش نباید به حفظ مطالب و گرفتن مدرک محدود شود. نسل آینده به انسان‌هایی نیاز دارد که درست فکر کنند، مسئله را بشناسند، قدرت تحلیل داشته باشند و بتوانند برای مشکلات راه‌حل تازه پیدا کنند. تأکید بر ابتکار و خودافزایی در واقع ناظر به همین ضرورت است. مدرسه و دانشگاه زمانی می‌توانند نقش خود را در آینده کشور ایفا کنند که خروجی آنها فقط فارغ‌التحصیل نباشد، بلکه انسان‌هایی باشند که توانایی اندیشیدن، ساختن و مسئولیت‌پذیرفتن دارند. اما در منظومه پیام، علم به تنهایی کافی نیست. «علم و تقوا»، «دانایی و توانایی» و «امید و اخلاق» در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. این ترکیب، تصویر انسان مطلوب را روشن می‌کند. قدرت علمی اگر از اخلاق و مسئولیت جدا شود، الزاماً در خدمت جامعه قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر، اخلاق و ارزش‌ها نیز بدون دانش و توانایی، ظرفیت کافی برای حل مسائل پیچیده کشور ایجاد نمی‌کنند. مسئله، انتخاب میان علم و ایمان نیست، مسئله ساختن انسانی است که بتواند این دو را در کنار یکدیگر به کار گیرد. در همین چارچوب، هویت به مفهوم هویت ایرانی و اسلامی نیز در برابر پیشرفت قرار نمی‌گیرد. پیام از یک سو نسل جدید را به فتح قله‌های علمی دعوت می‌کند و از سوی دیگر بر هویت ملی، زبان، عزت و استقلال فرهنگی تأکید دارد. معنای این ترکیب آن است که ایران آینده باید هم پیشرفته باشد و هم ریشه‌دار. پیشرفت زمانی به قدرت پایدار تبدیل می‌شود که نسبت آن با هویت ملی تعریف شده باشد، و جامعه نسبت به هویت و توانایی‌های خود احساس بیگانگی نکند.

پیوند پیام با شهیدان نیز در همین منطق معنا پیدا می‌کند. آغاز سال تحصیلی در کنار یاد دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و استادانی قرار گرفته است که در دفاع مقدس و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه به شهادت رسیده‌اند. اینجا شهید صرفاً یک تصویر برای مناسبت نیست. مسئله انتقال تجربه از یک نسل به نسل دیگر است. همان نسلی که روزی در کلاس درس نشست، در مقطعی از زندگی مسئولیت خود را در قبال کشور تشخیص داد و به آن عمل کرد. نسل امروز نیز باید مسئولیت زمان خود را بشناسد. بنابراین، جای خالی شهیدان در کلاس، نباید فقط روایت فقدان باشد، می‌تواند یادآور مسئولیتی و تعهدی باشد که به نسل‌های کنونی و آینده منتقل شده است.

و بالاخره اینکه، توجه به معلم و استاد، حلقه تکمیل‌کننده منظومه مد نظر مقام معظم رهبری در پیام است. اگر آینده کشور در گرو تربیت نسل جدید است، نمی‌توان از کسانی که این نسل را تربیت می‌کنند، عبور کرد. تأکید پیام بر شأن و معیشت معلم و استاد نشان می‌دهد که تکریم آنان نباید به تشریفات مناسبتی محدود شود. جامعه‌ای که آینده خود را جدی می‌گیرد، باید نسبت به وضعیت کسانی که سازندگان آینده هستند، نیز حساس باشد. از منظر نگاه منظومه‌ای به پیام رهبری، آینده ایران از کلاس درس آغاز می‌شود، اما در کلاس متوقف نمی‌ماند. علم که رهبری شهید از آن به عنوان سلطان یاد کردند و آن را عامل تولید قدرت، ثروت و اعتبار تعریف کردند، باید به توانایی برای ساختن تبدیل شود، توانایی که با اخلاق همراه شود، پیشرفتی که بر پایه هویت استوار بماند، و در سایه انتقال تجربه نسل گذشته به نسل جدید، انسان‌هایی تربیت کنند که بتوانند مسئولیت آینده را بپذیرند. در این منطق، مدرسه و دانشگاه، «خانه دوم» و محیط ساختن انسان آینده است. مدرسه و دانشگاه صرفاً محل انتقال دانش و برگزاری کلاس نیستند، بلکه «خانه‌های علم و ادب» و «مأمن دانش و ادب و نشاط و امید» هستند، که انسان آینده و مدیران آینده پرورش پیدا می‌کنند.